



روایتی از فاجعه شیمیایی سردشت

■ علی مددزیدی
از ته‌مانده شیمیی دوران درس‌ومشق در ذهن باشد، چیزهایی دست‌گیرمان می‌شود؛ اولی کربن است، همان که از دلش الماس بیرون می‌کشند، دومی هیدروژن؛ زوج اصلی تولیدکننده مایه حیات، سومی کلسر و چهارمی هس‌تند که هر کدام‌شان باری از دوش بشر برمی‌دارند و فقدان‌شان روند زیست را به خلل و نواقص مبتلا می‌کند، ولی آسمان از روزی که علم شروران‌اش لباس پخت‌وپز به تن کند و این چهار عنصر را به هم پیوند بزند. محصولش می‌شود آتشی از جنس خردل که حلیجه، سومار و سردشت را با تمام ساکنانش سوزاند؛ آتشی که داغ‌اش هنوز روی پوست تن‌های زیادی حس می‌شود و دودش مایه خس خس سینه‌ها می‌گردد، یکی از این سینه‌ها، سینه علی جلالی‌فراهانی است؛ مبارز سالیان دور هشت سال جنگ که متأسفانه در منطقه مر یوان در پی حملات شیمیایی رژیم بعث، به وسیله گاز خردل مسموم شد و صحنه جنگ را با ۷۰ درصد جانبازی ترک کرد. «فقس‌های خردلی» هم بنایش این است که این ۱۸/۵ خط را با جزئیات شرح و بسط دهد؛ اثری در ۲۲۰ صفحه با قیمت ۷۵هزار تومان که به همت انتشارات سورمه مهر و قلم خانم زیلا یوسی به چاپ رسیده است. نویسنده در مقدمه درباره کم و کیف تألیف این‌گونه توضیح می‌دهد: «با توجه به بی‌پهوشی چند ماهه ایشان، برای روایت خاطرات این سرباز دلاور از سه راوی کمک گرفته‌ام، آقای علی جلالی، خانم مهین میرزایی (همسر ایشان) و نویسنده که در تمام گفت‌وگوها حاضر است. با این نوع روایت، به ناچار از فصل‌بندی اجتناب کردم. با در نظر گرفتن اینکه مخاطب با سه راوی مواجه می‌شود، سعی شده است هر راوی با لحن خودش روایتش را پیش ببرد، بدون آنکه از متن جدا شود.

افزون بر این، جذابیت خاطرات نیز مطرح بوده است.» نویسنده همانی کرده، با هر خوب و بدش در عمل تحویل مخاطب داده است. نویسنده در کتاب بدون هیچ قطعی و وصلی، ۲۰۳صفحه، بدون حتی نیم‌صفحه کاغذ سفید، روایت خالص تحویل خواننده‌اش داده است؛ روایتی که الح و الانصاف یک‌دست و یکپارچه سرروشکل پیدا کرده است. اگر آن مقدار ناچیز سختگی‌ای را که ناشی از فقدان فصل‌بندی بود، نادیده بگیریم، اثر چند نکته مثبت دارد.

تجربه شخصی حقیق این است که بخلاف مد رایج، در تاریخ شفاهی، آن هم از گونه مستندش، پرش‌های بی‌درسی زمانی جز شلختگی در روایت و به هم ریختن ذهن خواننده هیچ عایدی دیگری ندارد که ششکر پروردگار، «فقس‌های خردلی» به این موضوع مبتلا نبود. از توانایی‌های قابل تقدیر کتاب، نوع پرداخت و ورود و خروج روایان به میدان روایت است. هر سه راوی در ساختار متن هضم شده‌اند و آن قدر روایت‌ها و نوع ورود و خروج‌ها در جای درست قرار نگرفتند که مخاطب هنگام جابه‌جایی راوی، هیچ‌گونه پرش و بیرون‌زدگی‌ای را احساس نمی‌کند. اما مهم‌ترین نقطه قوت کتاب، ورای تمام این مطالب به خود سوززه برمی‌گردد. جانماز سرهنگ آب‌کنشیده نیست. حداقل از ظاهر کتاب این‌گونه برمی‌آید که سوزه هر آنچه لازم بوده است را بدون ریا و تظاهر در طبق روایت گذاشته و صداقت همان چیزی است که در اثر ما را در کنار نویسنده قرار می‌دهد و نه در مقابلش و همین زمینه‌ای را فراهم می‌آورد تا «فقس‌های خردلی» هم بر لب‌مان خنده بنشاند و هم متأثرمان کند.

گزارش یک



■ فاطمه شعبانی
■ نمایش اجرا-گفتار «فاطمه» به کارگردانی، تهیه‌کنندگی و نویسندگی مریم شعبانی، از ۲۲آذرماه تا ششم دی‌ماه ساعت ۱۸:۳۰ میزبان بانوان علاقه‌مند در تالار سورمه حوزه هنری خواهد بود.
این نمایش حاصل تلاش یک‌گروه ۷۰نفره از بانوان هنرمندان است که در شش پرده تلاش می‌کنند زندگی حضرت فاطمه(س) را به نمایش بکشند. گفت‌وگوی ما را با مریم شعبانی بخوانید.

دختران مستعدنمایش فاطمه‌کاری از گروه‌نمایش «هنر مقدس» و برداشتی عاشقانه- عارفانه از زندگی حضرت زهرا(س) است. این نمایش، شش موقعیت از زندگی حضرت فاطمه(س) شامل مادرانگی، تولد، ازدواج، حضورشان در جنگ‌ها، شرایط اقتصادی- سیاسی آن دوران و جوادانگی ایشان را به تصویر می‌کشد. مریم شعبانی از چگونگی تشکیل گروه این نمایش اینطور می‌گوید: گروه از سال ۱۳۸۸ شکل گرفت. در مدرسه‌ای که تدریس می‌کردم دختران مستعد و علاقه‌مند به تئاتر را می‌دیدم که به دلیل جو مذهبی خانواده نمی‌توانستند در این عرصه فعالیت کنند. به این فکر افتادم فضایی فراهم کنم که این بچه‌ها کار هنری انجام دهند. اینطوری هسته اولیهٔ گروه «هنر مقدس» شکل گرفت. سال ۱۳۹۰ که اولین اجرای فروش گیشه داشتیم، تمام بلیت‌ها همان شب اول فروش رفت؛ سال اولی بود که کار بانوان برای بانوان اجرا شده بود. موضوع نمایش نقش زنان در عاشورا بود و به شخصیت‌هایی همسر ۱۷روزه و شب نصرائی و مادر وهب می‌پرداخت. آن سال قفسیه دفاع از حرم مسئله روز بود و ما این دو

گزارش ۲

حسنا افشاری

این روزها بحث انیمیشن ایرانی در فضای کشور پس از سال‌ها سکوت و رخوت در این حوزه داغ شده است. فضای تولید انیمیشن فضای جدی‌تر روزافزون انیمیشن‌های بومی هستیم. در این بین سهم مرکز انیمیشن سورمه در این پیشرفت قابل تحسین است.

«انیمیشن مسافری از گانورا» که در واپسین روزهای پاییز در حال اکران است، با ایده‌ای که در رویداد رؤیازی مطرح شده بود، از سوی مؤسسه فرهنگی- هنری تصویر پاسارگاد شرق مشهد و مرکز انیمیشن سورمه سینما طراحی و ساخته شده است. کارگردان این اثر احمد علمدار، هنرمندی متعهد و حرفه‌ای است. این انیمیشن در ژانر علمی- تخیلی در جشنواره فیلم کودک کافغان سه جایزه از جمله، تندیس ویژه دبیر جشنواره، تندیس ویژه ستاد ویژه خانواده و تندیس ویژه فرهنگ بنیان را کسب کرده و توانسته است نظر صاحب‌نظران حوزه پویانمایی را به خود جلب کند و سه زودی مخاطبان زیادی از گروه کودک و نوجوان مخاطب این انیمیشن قرار خواهند گرفت. در این یادداشت درباره مسافری از گانورا و تأثیرات روان‌شناختی آن بر مخاطبان صحبت خواهیم کرد.

ماجرای سفر از گانورا به زمین

سهیل پسری است که دچار معلولیت است و برای حرکت از ویلچر استفاده می‌کند. او به همراه دو نفر در دوستانش که یکی از آنها از اتباع مهاجر افغانستانی است، به کمک فردی فضایی می‌روند که برای نجات بانوی گمشده سیاره گانورا به زمین آمده است. در این مسیر اتفاقات زیادی برای این گروه رخ می‌دهد تا به هدف‌شان برسند.

مبارزه به سبک جنگ ستارگان در ناکجاآباد
پسرها از همان کودکی عاشق قدرت هستند و علاقه بسیاری دارند از شخصیت‌هایی که در نظرهاش توانمند هستند، الگو بگیرند و مثل آنها رفتار کنند. همان‌طور که

فرهنگی

فرهنگی، ۶۰-۸۸۵۲۳

کارگردان نمایش اجرا-گفتار «فاطمه»:

کار ما روضه نیست!



موضوع را به هم ربط دادیم.

هنر قدسی

کارگردان نمایش فاطمه در پاسخ به این سؤال که نمایش بانوان برای بانوان چه مزیتی دارد؟ می‌گوید: ۲۲آذرماه تا ششم دی‌ماه ساعت ۱۸:۳۰ میزبان بانوان علاقه‌مند در تالار سورمه حوزه هنری خواهد بود. این نمایش حاصل تلاش یک‌گروه ۷۰نفره از بانوان هنرمندان است که در شش پرده تلاش می‌کنند زندگی حضرت فاطمه(س) را به نمایش بکشند. گفت‌وگوی ما را با مریم شعبانی بخوانید.

دختران مستعدنمایش فاطمه‌کاری از گروه‌نمایش «هنر مقدس» و برداشتی عاشقانه- عارفانه از زندگی حضرت زهرا(س) است. این نمایش، شش موقعیت از زندگی حضرت فاطمه(س) شامل مادرانگی، تولد، ازدواج، حضورشان در جنگ‌ها، شرایط اقتصادی- سیاسی آن دوران و جوادانگی ایشان را به تصویر می‌کشد. مریم شعبانی از چگونگی تشکیل گروه این نمایش اینطور می‌گوید: گروه از سال ۱۳۸۸ شکل گرفت. در مدرسه‌ای که تدریس می‌کردم دختران مستعد و علاقه‌مند به تئاتر را می‌دیدم که به دلیل جو مذهبی خانواده نمی‌توانستند در این عرصه فعالیت کنند. به این فکر افتادم فضایی فراهم کنم که این بچه‌ها کار هنری انجام دهند. اینطوری هسته اولیهٔ گروه «هنر مقدس» شکل گرفت. سال ۱۳۹۰ که اولین اجرای فروش گیشه داشتیم، تمام بلیت‌ها همان شب اول فروش رفت؛ سال اولی بود که کار بانوان برای بانوان اجرا شده بود. موضوع نمایش نقش زنان در عاشورا بود و به شخصیت‌هایی همسر ۱۷روزه و شب نصرائی و مادر وهب می‌پرداخت. آن سال قفسیه دفاع از حرم مسئله روز بود و ما این دو



«مسافری از گانورا» برای بچه‌ها

تحلیل تربیتی پویانمایی مسافری از گانورا

نیز در حال تمرین ورزش‌های رزمی است تا فردی قدرتمند شود و بتواند انتقام کشته‌شدن مادرش از سوی امریکایی‌ها در جنگ افغانستان را بگیرد. حجم اکثن در این کار بسیار بالاست و در سرتاسر کار شاهد تیرد و تعقیب‌و‌گریزهایی بین پسرها و آدم فضایی‌ها هستیم که بیشتر شبیه فیلم‌های خارجی است تا انیمیشن ایرانی. اگرچه سعی شده است در فضای شهرآلمان‌های ایرانی، مثل پیکان یا اراندتد با موسیقی شمالی بیاید اما شهر و فضاسازی آن هیچ شباهتی به فرهنگ و شهرسازی ایرانی ندارد. اصلاً مشخص نیست این انیمیشن در کدام شهر است! ابتدای انیمیشن با لباس، لپچه و کلینیک توان‌بخشی با اسم و شخصیت‌هایی کردی روبه‌رو هستیم. در میانه کار برج میلاد تهران و چند پاساژ معروف از شهر مشهد را می‌بینیم. علاوه بر درگیری با فضایی‌ها نمایش دقیق صحنه مرگ مادر، ستار، مرگ مادر سهیل یا سقوط از کوه پسرها را شاهدیم. به تصویر کشیده‌شدن این حجم از خشونت، می‌تواند اضطراب بالایی را به مخاطب کودک وارد کند.

بهبود یا تخریب رابطه والد فرزند

در انیمیشن می‌بینیم که سعی شده است رابطه مثبت مادر- فرزند به تصویر کشیده شود. با مادر ی روبه‌رو هستیم که خود را مقصر معلولیت فرزندش می‌داند و با کاردرمانی فرزندش و محبت زیاد سعی در جبران افراطی می‌کند تا احساس غنا و جدان خود را آرام کند. در مقابل فرزند ی(می‌بینیم که مادر ا مقصر می‌بیند؛ قهر می‌کند، تندی می‌کند و تلاش‌های مادر نتیجه‌ای برای بهتر شدن رابطه نمی‌کند. سیر ترمیم رابطه مادر- فرزند ی بهتر بود. نمایش داده می‌شد تا می‌توانست دستاورد بیشتری برای والدین داشته باشد. در مقابل شاهد ارتباط محترمانه ستار با پدرش هستیم، حتی در اوج درگیری با فضایی‌ها با احترام به تماس او پاسخ می‌دهد و سعی می‌کند ادب را همیشه در برابر او رعایت کند.

پسر همسایه

در این کار می‌بینیم سهیل به رغم ناتوانی جسمانی‌اش، پوستر اغلب شخصیت‌ها و فیلم‌های ابرقهرمانی را به دیوار اتاقش زده است، حتی ستار دوست مهاجرش

است و بیان مشخصی دارد که منتقل‌کننده کلمه و جمله است. لکچر پرفورمنس اصلاً داستان ندارد، یعنی داستان و نتیجه‌گیری همه به عهده مخاطب است. در سال‌های بعدی مخاطب بیشتری جذب کار ما شد و این‌برای‌مان انگیزه‌بخش بود. ما از پژوهشگرهای تاریخ اسلام بازخوردهای خوبی گرفتیم، حتی امسال چند پژوهشگر به ما پیوستند.

استقبال عراقی‌ها

نمایش فاطمه(س) در اولین حضور بین‌المللی‌اش هم‌زمان با عیدغدیسر در تئاتر ملی بغداد (المسرح الوطني) روی صحنه رفت و ۷هزار بانوی عراقی از این نمایش دیدن کردند. شعبانی با اشاره به اینکه شعار گروه‌شان «هنر قدسی زنان بر تمام جهان» است، از اجرای‌شان در عراق می‌گوید: در زمان اجرا در ایران دوستان عراقی هم میهمان‌مان بودند، این دوستان از ما خواستند در عراق هم اجرا داشته باشیم. کار به عربی ترجمه شد و دوستان تمرین زبان عربی کردند، حتی نقش مکمل‌مان، فاطمه مرادی که نقش فرشته تاریکی را اجرا می‌کرد، در مدت کوتاهی به زبان عربی مسلط شد و اجرای زنده عربی داشت، چون همه نریشن پلی‌بک بود، اما نقش لوسیفر در سالن زنده اجرا می‌شد، آنجا هم زنده اجرا کردیم. ما هفت شب اجرا داشتیم، هر شب سالن هزار نفری پر می‌شد، حتی شب‌های آخر ۲۰۰نفر پشت درهای سالن ماندند. الان هم به دو زبان ترکی استانبولی و انگلیسی ترجمه شده است و دوستان کم‌کم تمرین‌های ترکی را شروع می‌کنند تا اجرای‌های دیگری در سایر کشورهای اسلامی داشته باشیم.

نقش مردان!

مریم شعبانی توضیح می‌دهد: ما در تئاترهای‌مان نقش مردان را در جامعه نادیده نگر فتایم. قاعدتا زن و مرد از اول خلقت در رستگاری انسان تأثیر گذار بوده‌اند. ما همیشه از اولین اجرای‌مان که تئاتر اقلیما بود، سعی کردیم نقش مردان را هم ارائه و اهمیت‌شان را در خلقت نشان دهیم. ما با کمک تکنیک‌هایی حضور آقایان را در صحنه به شکل تصویری نمی‌بینیم، هر چند کارمان تک‌جنسیتی است و ارائه نقش مرد روی صحنه نادیرام اما گاهی صدا و نریشن مرد را روی صحنه داشتیم. امسال هم ما به نقش حضرت علی(ع)، حضرت محمد(ص) و اصحاب‌شان می‌پردازیم.

«هنر مقدس» در آینه

وی در ادامه با بیان اینکه کارآنان هنرمند مسلمان دوست دارند در فضای مستقل توانمندی‌های‌شان را ارائه دهند، اضافه می‌کند: سعی کردیم این‌فا را برای زنان ایجاد کنیم که هم روی صحنه بازیگری و کار هنرهای نمایشی و هم در اتاق نور و صدا مدیریت نور و صدا را داشته باشند. سال‌های قبل هم‌خوانی بانوان را روی صحنه داشتیم، امسال هم علاوه بر هم‌خوانی دو ساز موسیقی زنده روی صحنه اجرایی‌شوند. این تهیه‌کننده

در پایان خبسر می‌دهد: برنامه آینده‌مان این است که روی یکی از زنان برتر مسیحیت کار کنیم و آن‌شالله بتوانیم برای جهان مسیحیت هم یک الگوی دقیق و عینی ارائه دهیم.

کتاب



کارگردان «با بابام»

درباره اولین تجربه کارگردانی خود:

دختر بچه‌ها خود و پدرشان را در این پویانمایی می‌بینند

فاطمه شعبانی

در روزهای گذشته، هم‌زمان با روز جهانی کودک، پوستر مجموعه پویانمایی «با بابام» به نویسندگی امیررضا مافی، تهیه‌کنندگی فرزانه فخریان و کارگردانی زینب‌سادات بدری منتشر شد. تولید این مجموعه انیمیشن به عنوان جدیدترین اثر مرکز انیمیشن سورمه به نیمه رسیده است و در ۱۰اقسمت هفت دقیقه‌ای آماده نمایش می‌شود. «با بابام» از زاویه دید یک دختر خردسال، داستان‌های روزمره از رابطه خود با پدرش را روایت می‌کند. به همین بهانه گفت‌وگوی کوتاهی با کارگردان جوان این اثر داشته‌ایم.

انیمیشن با بابام اولین اثر انیمیشنی است که شما کارگردانی کرده‌اید. درباره سوابق فعالیت خودتان در حوزه تصویر سازی و انیمیشن سازی توضیح می‌دهید؟

من فعالیت هنری‌ام را سال ۱۳۹۴ با کار تصویر سازی شروع و از سال ۱۳۹۷ هم کارم را با استاپ‌موشن ترکیب کردم. نتیجه این تلاش‌ها، چند استاپ‌موشن کوتاه بود که اکثراً با تکنیک کات اوت کاغذی دستی اجرا شده بودند، البته کارهایم سبک‌های تصویر سازی متفاوتی داشت. تولید این آثار تجربیات خوبی بودند که در تولید بابام به کمک من آمدند. من پله پله با تصویرها و استاپ‌موشن‌هایی که ساختم رشد کردم. یکی از استاپ‌موشن‌هایی که تیزر یک فیلم سینمایی بود، در جشنواره فجر سال ۱۳۹۸ نامزد سیمرغ شد.

از چه تکنیک‌هایی در ساخت بابام بهره بردید؟

انیمیشن بابام با تکنیک کات اوت دو بعدی دیجیتال ساخته شده است. با بابام در واقع یک سریال در ۱۰ اپیزود شش دقیقه‌ای است.

کسانی که کار را دیده‌اند، چه عکس‌العملی داشتند و نقد و نظر‌ها چگونه بود؟

البته به این سؤال باید بعد از بخش آثار جواب داد، اما از آنجا که مخاطب اصلی اثر بچه‌ها هستند، حین تولید برای اینکه باز خورد بگیریم، به تعدادی از بچه‌ها بخش‌هایی از انیمیشن را نشان می‌دهیم، خدا را شکر تا به حال بازخوردهای خوب و امیدوارکننده‌ای از آنها گرفته‌ایم. اکثر بچه‌هایی که تماشا می‌کنند، مخصوصاً دختر بچه‌ها، کاملاً احساس می‌کنند خودشان و پدرشان را می‌بینند. آنها به خوبی با داستان ارتباط برقرار می‌کنند که دقیقاً یکی از اهداف ما همین است.

فکر می‌کنید با بابام چه تأثیراتی روی ذهن کودک بگذارد یا بهتر بگوییم، قصه‌تان چه هدفی را دنبال می‌کند؟

تأثیرات یک اثر روی ذهن کودک، یک مسئله کاملاً تخصصی است و در حیطه معلومات و تخصص من نیست. من کارگردانم و جواب دقیقی برای آن ندارم. همین‌طور در مورد هدف قصه، دکتر مافی نویسنده کار، جواب درست‌تری می‌توانند بدهند، اما من اگر بخواهم از منظر خودم به این سؤال جواب بدهم، باید بگویم تلاش‌م این بوده است که لحظات و خاطرات شیرینی از دیدن این کار در ذهن بچه‌ها بماند و با دیدن آن خوشحال بشوند، با آن همدات‌پنداری کنند و همین‌طور که یکی از رسالت‌های هنرمند، بازنمایی و ماندگار کردن زیبایی‌هاست، من هم تلاش‌م این بوده است که این رابطه پدر و دختری را که جزو شیرین‌ترین خاطرات زندگی هر کسی می‌تواند باشد، به خوبی تصویر کنم.

آیا در فرآیند ساخت از نظر روان‌شناس کودک هم استفاده شده است؟

من به عنوان کارگردان و طراح کاراکتر وکانسپت کار، وظیفه اصلی‌ام مدیریت کردن تصاویر این اثر است و در مورد متن، قصه و محتوا، معلمین بودم که دکتر مافی و خانم فخریان که کار تولید و نظارت بر متن را به عهده داشته‌اند، کاملاً به مباحث ادبیات، داستان کودک و مسائل تربیتی نیز اشراف دارند و قطعاً تمام ریزه‌کاری‌ها را با اصول استاندارد تربیتی سنجیده‌اند.

به عنوان اولین تجربه کارگردانی از ما حاصل کار خود راضی هستید؟

البته که خروجی این کار، محصول مشارکت تیم بزرگ است. گرچه به نظر یک کار کوتاه می‌آید، اما تعداد نسبتاً زیادی از همکاران درگیر آن هستند که همگی به بهترین شکل وظیفه خودشان را در خلق این کار انجام داده‌اند. من فقط قسمتی از این اثر بودم که در تمام مراحل و جزئیات کار از همکاران دیگری می‌آموختم و نقاط ضعفم را برطرف می‌کردم. همین‌طور سعی کردم به بقیه گروه کمک کنم نقاط ضعفی را که به ذهنم می‌رسید، برطرف کنند، بنابراین با توجه به مجموع شرایط، از خروجی کار راضی هستم و برابم آورده‌ها و تجربه‌های مثبتی داشته است. گرچه رضایت نهایی وقتی به دست می‌آید که کار بخش شود و بچه‌ها که مخاطب اصلی آن هستند، دوستش داشته باشند.